



### اقتصاد تبرعی و اصالت فرد توسعه یافته در جمع

▼ به تعبیر شهید بهشتی در کتاب «نظام اقتصادی در اسلام»، انسان موجودی خودخواه و مسابقه‌جو است و به دنبال منافع خود حرکت می‌کند، البته این خودخواهی صرفاً به معنی پرستش نفس نیست، که اساساً اسلام با آن مخالف است بلکه مراد این است که محرک انسان خواسته‌ها و انگیزه‌های اوست.

▼ شهید بهشتی معتقد است نهادهای اقتصادی اسلام مانند نهاد "انفاق" در جهت مبارزه با خودپرستی به معنای مذموم آن، که در واقع به کار انداختن تمام امکانات خود و موجودات دیگر در جهت ارضای "من شخصی" است، طراحی شده است. این خودخواهی به نوعی استعاره‌ی "اصالت فرد" لیبرالیستی در برابر "اصالت جمع" مارکسیستی است.

▼ مسئله اصالت فرد و جامعه پرسشی ست که برای تمام متفکران انقلاب مطرح شده و همه در معرض پاسخ به آن قرار گرفته‌اند. از منظر شهید بهشتی اصالت با فردی است که همگام جامعه باشد، فردی که حرکت او و "من او" در راستای منافع جمع است یا به معنای دیگر "توسعه‌ی من" در او ایجاد شده است و دیگر صرفاً به منافع شخصی خودش فکر نمی‌کند. از همین جهت کارویژه‌ی "انفاق" هم در حوزه فرد و هم در حوزه جامعه است. سوره‌های مکی قرآن نقش چشم‌گیری در مبارزه با خودپرستی ایفا می‌کنند، در این سوره‌ها، ساخت و تربیت انسان‌ها به شکل هنری و آهنگین و نه با قانون و فرمان اتفاق می‌افتد، زیرا در موقف نهضت اسلامی و تربیت مسلمانان نخستین قرار گرفته‌اند. این فهم از مکتب اسلام، فهم امام خمینی است که اسلام آن از "اسلام اجتماعی" و تربیتی عبور کرده و به "اسلام سیاسی" که ترکیبی از تربیت و قانون است می‌رسد.

▼ روح انفاق در اسلام این است که نیاز دیگران با نیاز من تفاوتی ندارد. بنابراین در منطق اسلام جامعه‌ای مطلوب است که به فرد در افق خانواده و به خانواده در افق امت توجه می‌کند و باز از امت به خانواده و فرد بازمی‌گردد. در واقع فرد در اسلام در افق امت است و امت در افق فرد، لذا خودسازی و تربیت نفس توأم با خانواده‌سازی و امت‌سازی است.